



تک‌نوازی

خانم پرت معلم موسیقی اعلام کرد: «نفر بعدی سالی سندرز است.» سالی رفت جلوی اتاق نشیمن و پشت پیانو نشست. نگاهی به دوروبر انداخت و مامان، بابا، برادر کوچکش، بیلی، و والدین بقیه‌ی شاگردهای خانم پرت را دید. همه‌شان روی صندلی‌های ناهماهنگی نشسته بودند که از گوشه‌وکنار خانه‌ی معلمش دور هم جمع شده بود. نوبت سالی سندرز بود که تک‌نوازی اجرا کند، نوبت او بود که مثل ستاره‌ای تابان بدرخشد، لحظه‌ای که با اشتیاق انتظارش را می‌کشید. شروع کرد به نواختن اولین قطعه به نام «امواج اقیانوس». اول با ملایمت و بعد محکم‌تر، درست مثل موج‌هایی که آرام‌آرام شکل می‌گیرند و بعد محکم به ساحل شنی می‌خورند.

با این‌که خانم پرت گفته بود سالی می‌تواند از دفتر نوت موسیقی استفاده کند، قطعه را حفظ کرده بود، چون فکر می‌کرد اجرای موسیقی از روی نوت، کار مهمی نیست. علاوه بر این، دلش می‌خواست مثل دانش‌آموزان بزرگ‌تر پیانو بزند و آن‌ها هم معمولاً قطعه‌هایشان را حفظ می‌کردند. بعد از آن، قطعه‌ی «دلک‌ها در سیرک» را با ظرافت و سریع اجرا کرد، همان طوری که دلک‌های مسخره برای جمعیت تردستی انجام می‌دهند. وقتی به پایان قطعه نزدیک شد، انگشتش سر خورد روی یک کلید اشتباهی و صداها به هم ریخت. احساس می‌کرد تمام قطعه نابود شده و کل اجرایش افتضاح از کار درآمده است. هم‌زمان هم خجالت‌زده بود هم عصبانی و ترکیب این دوتا حس با هم خیلی ناجور